

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

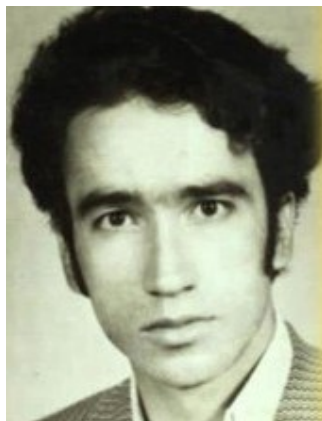
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۰۷ اگست ۲۰۲۱



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۷)

سرشت ویژه ای دارم

گهی من هستی دردم
گهی خاموش و دلسردم
گهی فریاد بر لب، هر طرف گردم
گهی از دردی بی دلدی همی میرم
گهی تاریک تر از چشمه قیرم
گهی لبریز شور و درد و احساسم
گهی تابنده تر از برق الماسم

گهی از جوششِ خونم
خروشان تر ز جیحونم
گهی آواره در هامون چو مجنونم
گهی از دیده ها، چون سیلِ بارد اشکِ پرخونم
کز آن رنگین شود انشاء و مضمونم
گهی اندر شیارِ غم
ز اشکِ خویش تخمِ لاله می کارم
سرشت ویژه ای دارم
سرشت ویژه ای دارم
گهی با هر که می جوشم
شرابِ شادی و عشرتِ همی نوشم
مگر باشد شود غمهای دنیا
یکسر از خاطر فراموشم
همه بارِ مصیبتها و محنتها
گذارم دور از دوشم
نیابد هیچ فریادِ شکایتها
کر شود گوشم

گهی از سایه خود هم گریزانم
چنان حیرت زده، زار و پریشانم
که از وضعِ سر و پایم نمی دانم
گهی از بس که دلتنگم
نه سازی دارد آهنگم
نه آهنگی ست در چنگم
گهی با دشمنان در صلح
گهی با دوستانم نیز در جنگم
" گهی مینا، گهی سنگم "
گهی آبم، گهی آتش
گهی چون شعله ام سرکش
زنم آتش به هر که هست نزدیکم
گهی تخم محبت
در زمینِ قلب می کارم
گهی تیغِ غضب - بر هر طرف بارم
سرشت ویژه ای دارم

سرشت ویژه ای دارم
گهی سوزنده ام چون دانهٔ اخگر
گهی سردم چو خاکستر
گهی از مهرِ تابانم نمایان تر
گهی از مرغِ عنقا نیز پنهان تر
گهی فکرم ز اوج کھکشان برتر
زند اندیشه ام در آسمانها پُر
گهی پژمرده تر از برگ پائیزم
که از بادِ ضعیفی
روی خاک از شاخه می ریزم
گهی از نو بهاران سبز و خرم تر
گهی کهنه درختِ خشکِ بی برگم
که باشد از حیاتم پُر ثمر تر حاصلِ مرگم
گهی چون شاخ پُر بارم
که هر روزی - هزاران میوهٔ شیرین همی آرم
سرشت ویژه ای دارم
سرشت ویژه ای دارم
پروان میزان ۱۳۵۲ خورشیدی «سرمد»